کفایه الاصول

- مقدمه
  - امر دوم: وضع
  - امر سوم: استعمال مجازی
  - امر چهارم: استعمال لفظ در لفظ
  - امر پنجم: اخذ اراده در موضوع له
  - امر ششم: وضع مرکبات
  - امر هفتم: علامات وضع
  - امر هشتم: تعارض احوال
  - امر نهم: حقیقت شرعیه
  - امر دهم: صحیح و اعم
  - امر یازدهم: اشتراک لفظ
  - امر دوازدهم: استعمال لفظ دراکثر از معنا
  - امر سیزدهم: مشتق
- مقاصد
- خاتمه

ارتباط با استاد
۰۹۱۵۰۰۲۹۵۲۹
آدرس کانال در تلگرام
@DARSHA

- امر اول: موضوع و مسائل علم
  - مطلب اول: موضوع علم
  - مطلب دوم: مسائل علم
  - مطلب سوم: تمایز بین علوم
  - مطلب چهارم: موضوع علم اصول
    - مشهور: موضوع علم اصول را ادله مطلقی ادله یا ادله بما هی هی می باشد
      - اخوند: محدود کردن موضوع علم اصول به ادله باعث می شود مباحث زیادی که جزو علم اصولند از علم اصول خارج شوند زیرا اصلی از مباحث از عوارض ذاتی ادله نیستند
    - توضیح
      - اخوند در اشتها می فرماید مؤید موضوع نبودن ادله آنچه این است که علما در تعریف علم اصول اشاره ای به ادله آنچه نمی کنند
      - اخوند می فرماید، منظور شما از سنت چه معنای واقعی سنت(قول و فعل و تقریر معصوم) باشد چه معنای مجازی سنت(قول و فعل و تقریر معصوم)حالی از این سه) مباحثی از علم اصول خارج می شود
        - معنای واقعی: اگر معنای واقعی مراد باشد دو بحث خبر واحد و تعادل و تراجیح از علم اصول خارج می شود زیرا در این دو از عوارض حالی سنت (ذاتیات) بحث می شود نه از عوارض خود سنت
          - سنتشکل(موجود شیء)، چون بحث از ثبوت سنت است می شود از عوارض سنت؛ یعنی سنتشه را(یکقوه مطرح می کنیم«آیا سنت ثابت می شود یا خبر واحد یا خبر»؟
          - جواب اخوند
            - در مسأله «آیا سنت ثابت می شود با خبر واحد یا خبر»؟ بحث اگر از ثبوت واقعی سنت است که داخل در مبادی می شود و اگر از ثبوت تعبدی سنت است، این ثبوت از عوارض خبر واحد است نه از عوارض سنت پس باز هم مشکل حل نشد
        - معنای مجازی: اگر هم معنای مجازی مراد باشد کل مباحث الفاظ و تمثال آن از علم اصول خارج می شود زیرا این مباحث عرض عام سنت می شود و عرض عام موضوع عرض «اگر موضوع نیست پس این مباحث از علم اصول خارج می شودنه عنوان مثال مسأله «اطلاقه و التکلام موضوعه که آیا داشتن را به کلمه و کلام نسبت می دهد مسأله علم هم نیست زیرا آیا عرض عام کلمه و کلام است در اینجا هر در مسأله «صیغه الامر ظاهر فی الوجوب» ظاهر بودن عرض عام صیغه امر است چراکه هر صیغه امر در عرف و هم در سنت ظهور در وجوب دارد
    - مؤید
      - اخوند در اشتها می فرماید مؤید موضوع نبودن ادله آنچه این است که علما در تعریف علم اصول اشاره ای به ادله آنچه نمی کنند
  - مطلب پنجم تعریف علم اصول
    - مشهور در تعریف علم اصول می فرمایند«العلم بالقواعد الممهده لاستنباط الحکم الشرعی الفرعی
      - اخوند اشکال می کند که این تعریف جامع افراد نیست زیرا کل اصول عملیه و بحث حجیت مطلق ظن علی الحکومه از تعریف خارج می شود چراکه اصول عملیه فاقدند استنباطی نیست بلکه خودش حکم شرعی است و بحث حجیت مطلق ظن علی الحکومه هم حکم عقلی است نه شرعی(حجیت مطلق ظن علی الحکومه یعنی بگوییم بعد از 5 مقدمه دلیل استدلال نتیجه می گیریم که ظن به تنهایی حکم به حجیت مطلق ظن می کند ولی اگر بگوییم این 5 مقدمه برای ما کشف می کند که شارع مطلق ظن را حجت قرار داده است می شود حجیت مطلق ظن علی الکشف